

## الزهر شیعه را معرفی میکند (۴)

این مقاله آخرین بخش ترجمه مقاله  
محققانه « رجة البعث » بقلم استاد  
محمد محمد المدنی رئیس دانشکده  
شریعت از دانشگاه الزهر مصر است که  
بقسمتی دیگر از ایراداتی که بر  
شیعه گرفته اند پاسخ میگوید.

### ایراد کنندگان

میگویند: «کاش فقط بتدریس فقه امامیه در ضمن فقه مقارن اکتفا میشد، ولی  
استاد بزرگ (شیخ محمود شلتوت) صریحاً فتوی داده است، که تقلید از مذهب امامیه  
جائز است، با آنکه امامیه معتقدند که تحریف و نقصان در قرآن راه یافته است و از  
فاطمه (علیها السلام) نقل می کنند که آن اندازه از قرآن که فعلا در دست  
است، نصف مقداری است که از آسمان نازل شده، یا تعبیراتی که نزدیک بهمین  
مطلب است.

با اینوصف شما تقلید از غیر مذاهب چهارگانه را (حنبلی، حنفی، شافعی، مالکی) چگونه  
جائز می‌شمیرید؟ مخصوصاً تقلید از مذهب امامیه را که دارای این گونه معتقدات هستند  
چطور رو امیدانید؟»

ما در جواب میگوئیم : اما تقلید از غیر مذاهب چهارگانه ، بدون تردید شرعاً جائز است ، و استاد بزرگ در فتوای خود باین موضوع اشاره کرده است . و در اینجا شایسته است مطلبی را که ایشان در این زمینه در کتابی که بنام «مقارنه المذاهب» تصنیف کرده اند و در دانشکده «شریعت» از سال ۱۹۳۶ (میلادی) تدریس میشود ، تذکره داده اند ، یادآور شویم ، زیرا آن مطلب در این باره کاملاً جامع و قانع کننده است ایشان مینویسند : «هنگامی که روح اختلاف در وجود دانشمندان عصر اخیر قوت گرفت ، و تعصب مذهبی بر آنان تسلط یافت ، باین فکر افتادند که قوانینی برای جلوگیری از توجه بمذاهب دیگر و پیروی کردن از آنها ، بوجود آورند ، و بدینوسیله حصار بر گرد مردم کشیدند ، لذا مذاهب فقهی از دائره بحث و تحقیق بیرون رفته بصورت اعتقادات و التزامات دینی درآمد ، بطوریکه مخالفت با آنها ممنوع شمرده شد ، بهمین جهت مسلمانان از اعمال دقت در قرآن و سنت و همچنین از نتیجه دقت و تحقیق محروم شدند ، در نتیجه همت ها ضعیف و فقه اسلام در پیشرفت خود دچار وقفه گردید ، و همه دانشمندان مذاهب ، ابتکار و اجتهاد را از دست داده و با کمال تعصب به پشتیبانی از مذهب خود مشغول شدند ، و بمختصر نمودن بحثهای دامنه دار و شرح کتابهای مختصر پرداختند ؛ رفته رفته دانشجویان از علم فقه محروم مانده ، و در رشته فقه متخصص نگردیدند .»

شیخ عزالدین عبدالسلام وضع آنان را باین عبارت ، بیان کرده است : «بسیار جای تعجب است ، که هر یک از فقهاء ، از ضعف مدرک پیشوایان خود مطلعند ، با این حال از آنان تقلید می کنند ؛ و از کسانی که طبق کتاب خدا و سنت پیغمبر اکرم (ص) فتوی داده اند ، تقلید نمی نمایند ، و عجیب تر آنکه برای دفاع از پیشوایان خود کتاب و سنت را بتأویلات بعید تأویل می نمایند ، تا رفته رفته کار بجائی کشیده که متعصبین مذاهب همگی مقلد شده اند ، و از پیشوایان خود با آنکه گاهی میدانند که گفته آنان با دلائل علمی سازگار نیست پیروی میکنند و آنان را مانند

پیغمبر میدانند، و روشن است که هیچ عاقلی این روش دوراز حقیقت و صواب را نمی‌پسندد.

امام ابوشامه میگوید: «برای محصلین علم فقه شایسته است که اکتفا به ذهاب پیشوای معینی نکنند.

بلکه در هر مسئله، با آنچه باقر آن و سنت مطابق است، معتقد شوند، و این مطلب با تحصیل مقدمات اجتهاد بسیار آسان است، و همچنین لازم است برای کسیکه بتحصیل علم فقه اشتغال دارد، از اعمال تعصب خودداری کند، و از پیمودن راههای اختلاف که دانشمندان عصر اخیر در پیش گرفته‌اند، احتراز جوید، زیرا آنها باعث تضییع وقت و موجب کدورت و از میان رفتن صفا و صمیمیت است. و برای ما ثابت شده است که شافعی (پیشوای معروف اهل تسنن) شخصاً از تقلید نهی کرده چه از تقلید خود و چه دیگران.

«هزنی» دوست شافعی در آغاز کتابی که بنام «مختصر» تألیف کرده است می‌گوید: این کتاب را مختصر کردم از معلومات شافعی فقط برای اینکه از معلومات وی اطلاع حاصل شود (نه برای تقلید از شافعی) زیرا شافعی از تقلید خود و دیگران نهی کرده و بر هر مسلمانی که نمی‌تواند احکام الهی را از روی ادله بدست بیاورد فقط لازم است که از دانشمندان سؤال کند، و هیچگاه بروی لازم نیست به روش فقهی معینی معتقد باشد، زیرا بر مسلمان واجب نیست مگر آنچه خدا و پیغمبر واجب نموده‌اند و خدا و پیغمبر بر هیچکس واجب نکرده‌اند که به روش فقهی فرد معینی از امت معتقد و متعبد شود.

شارح «مسلم الثبوت» در این زمینه می‌گوید: «واجب کردن پیروی از روش فقهی فرد معینی بدعت است؛ پس از آن می‌گوید: برای این موضوع میتوان بحديث «اختلاف علماء رحمت است» استدلال کرد زیرا اگر مردم ملزم باشند که بروش فقهی معینی عمل کنند؛ این شدت و سختگیری بر آنهاست نه رحمت و رفاقت؛ (پایان کلام شیخ شلتوت).



وامادر مورد نسبت تحریف قرآن بامامیه ، باید گفت : امامیه بنقص و تحریف قرآن هرگز معتقد نیستند ، آری در این باره روایاتی در کتب آنها هست ، چنانکه در کتابهای مانیز از این قبیل روایات موجود است ، ولی دانشمندان اهل تحقیق از شیعه و سنی باطل بودن این روایات را روشن ساخته اند ، و در میان شیعه امامیه و زیدیه کسی نیست که بر طبق آن روایات اعتقاد داشته باشد ، همانطور که در میان سنیها هم کسی باین موضوع معتقد نیست . کسیکه بخواهد از این قبیل روایات در کتب سنیها اطلاع حاصل نماید ؛ بکتاب « ائقان سیوطی » مراجعه کند (۱) .

یکی از اهالی مصر در سال ۱۹۴۸ (میلادی) کتابی تألیف کرد با اسم « فرقان » و روایات بسیاری از مدارک سنی هادر زمینه تحریف قرآن در آن کتاب جمع آوری کرد . روایاتی که ضعیف بودند و مورد توجه و اعتماد نبودند ؛ دانشگاه «الازهر» پس از آنکه با دلایل علمی بی اساس بودن مندرجات کتاب مزبور را اثبات کرد ، از دولت مصر تقاضای مصادره و توقیف کتاب برانمود ، مؤلف کتاب ، دادخواستی بمرجع قضائی تسلیم داشت که ضمن آن تقاضا کرده بود ، خسارتهای ناشیه از توقیف و مصادره آن کتاب جبران گردد ، ولی دادگاه بدرخواست وی ترتیب اثر نداد ؛

آیا ما سنیها بهمین که ببینیم یک کفر سنی کتابی در زمینه تحریف قرآن تألیف کرده یا روایتی نقل کرده است میتوانیم بسنیها بطور کلی نسبت دهیم که بنقص و تحریف قرآن معتقدند ؟ هرگز ! امامیه هم فقط روایاتی در بعضی کتابهایشان مانند کتابهای مانقل شده است اما بر طبق این روایات هرگز اعتقاد ندارند .

علامه بزرگوار « فضل بن حسن طبرسی » که از بزرگان علمای امامیه در قرن ششم هجری است . در کتاب « مجمع البیان » در زمینه جواب از روایاتی که دلالت بر

تحریر قرآن دارد میگوید: «عده‌ای از اصحاب ما و جماعتی از افرامی‌های سنی گمان کرده‌اند که در قرآن نقص و تحریف راه یافته‌است، ولی نظر دانشمندان ما بعداً این نیست؛ چنانکه سیدمرتضی (۱) در این باره مشروحاً تحقیق نموده و در جواب «مسائل طرابلسیات» حقیقت را روشن ساخته است، آنجا که میفرماید:

«چنانکه شهرهای عظیم و حوادث بزرگ و وقایع پر اهمیت تاریخی و کتابهای مشهور و دیوانهای معروف عرب پیش همه معلوم و مشهور است، آیات قرآن نیز نزد مسلمانان، معلوم و معروف بوده‌است، زیرا قرآن معجزه بزرگ پیغمبر و مدرک احکام دینی و مأخذ علوم شرعی است، روی همین جهت مسلمانان دواعی بسیاری بر نقل آیات قرآن و حفظ و حر است آنها داشتند، دانشمندان جامعه مسلمان سعی و کوشش خود را در حفظ و حمایت قرآن بنهایت رسانیدند؛ بطوریکه شماره حروف و آیات قرآن را میدانشستند، و به نظرهای مختلفی که در اعراب و قرائت کلمات قرآن بوجود آمده بود معرفت کامل داشتند، با این مراقبت و توجه شدید و با این دقت و اهتمام بلیغ، چگونه ممکن است تغییر و تحریفی در قرآن راه پیدا کند؟

سپس اضافه میکند که شناسائی بعضی قرآن‌مآندان شناسائی همه قرآن است چنانکه دانشمندان فن ادب بکتابهای پر اهمیت این رشته مثل کتاب سیبویه و مزنی اهمیت میدهند و بهر قسمتی از آنها مانند همه آنها معرفت و شناسائی دارند، بحدی که اگر یکباب بر ابواب کتاب سیبویه افزوده شود، همه میفهمند که آن باب زاید و ملحق است و از اصل کتاب نیست، توجه و اهتمام بنقل و ضبط آیات قرآن بمراتب از کتاب سیبویه و دیوانهای شعر ازیبشتر بوده‌است، با اینوصف چگونه میتوان گفت که قرآن مقدس دستخوش تغییر و تحریف گردیده‌است؟!»

در مورد دیگر فرموده‌است: «قرآن مجید در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله بهمین صورتی که فعلاً هست جمع آوری شده بود، و برای این موضوع استدلال میکند باینکه

قرآن در آن عصر تدریس نمیگردید و مسلمانان بر حفظ آن همت می گماشتند، جماعتی از صحابه حافظ قرآن بوده اند.

قرآن مقدس را در محضر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تلاوت مینمودند جمعی از اصحاب آنحضرت مانند عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب چند دفعه قرآن را از اول تا آخر در محضر آن حضرت خواندند.

این مطالب بدون تردید، دلیل بر اینست که قرآن در آن عصر جمع گردیده و مرتب بوده، نه اینکه متفرق و غیر مرتب باشد، و کسانی که از امامیه یاسنی عقیده ای بر خلاف این داشته باشند مورد اعتنا و توجه نیستند، این عقیده باطل بطایفه ای از اهل حدیث نسبت داده شده است که اخبار ضعیفی را نقل نموده و گمان کرده اند که صحیح است؛ و روشن است که بواسطه روایات ضعیف از یک مطلب محقق و ثابت نمیتوان صرف نظر کرد، (۱) (پایان کلام سید مرتضی)

این کلام بخوبی میرساند که شیعه امامیه مانند دیگران معتقدند که یک حرف از قرآن کسر نشده است و کسیکه بتحریف قائل است، بر روایات ضعیفی استناد نموده است.

(۱) ص ۱۸ جزء ۱- از کتاب مجمع البیان چاپ دارالتقریب ۱۳۷۸ هجری قمری :

### اندیشه مسلمان

خیال من بتماشای آسمان بوده است بدوش ماه و باغوش کهکشان بوده است  
گمان مبر که همین خاک، آن نشیمن ما است که هر ستاره جهانی است یا جهان بوده است

( اقبال متفکر و طراح کشور پاکستان )